

## ولایت فقیه

◀ **معنای فقیه:** فقیه یعنی کسی که در احکام فرعی و برنامه های عملی دین اسلام از تجربه و تخصص کافی برخوردار است. و قدرت استخراج احکام شرعی و قوانین اسلامی را از منابع آن دارد.

◀ **معنای ولایت:** ولایت به معنای سرپرستی و تصدّی امر است که در مورد شیء یا اشیاء، شخص یا اشخاص تحقق می یابد، و معنای دیگری مثل دوستی و نصرت دارد که آنها نیز بی مناسبت با معنای تصدّی نیستند. سرپرستی فرزند برای پدر نوعی ولایت است، اما مفهوم ولایت در رابطه با جامعه همان حکومت است و شخص حاکم را ولی مسلمین یا ولی امر می نامند.

◀ **اهمیت ولایت:** واژه ولی، ولایت و دیگر مشتقات آن ۲۳۳ بار در قرآن به کار رفته، مانند آیه زیر:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و اولی الامر (صاحبان امرتان) اطاعت نمایید» (نساء - آیه ۵۹)

روایت: امام باقر علیه السلام فرمود اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکات و حج و روزه و ولایت صحابه حضرت پرسید کدام یک از این پنج چیز برتر است؟ فرمود ولایت برتر است. زیرا کلید چهار چیز دیگر می باشد، و ولی بر آنها راهنمایی می کند. (ولایت فقیه جلد ۱ صفحه ۱۳)

◀ **خصوصیات ولی فقیه:** ۱- فقیه بودن ۲- عدالت و تقوا ۳- تدبیر ۴- شجاعت

◀ **مفهوم ولایت مطلقه:** فقها، اقسام ولایت را که نام می برند، محدوده هر یک را مشخص میسازند، مثلاً ولایت پدر بر دختر در امر ازدواج، ولایت وصی یا قیم شرعی بر صغار و ... ولی هنگامی که ولایت فقیه را مطرح می کنند، دامنه آن را گسترده تر دانسته و در تمامی ابعاد سیاست مداری و مصالح عمومی مسلمانان و ملت که بسیار پر دامنه است میدانند. بنا براین ولایت فقیه مانند دیگر ولایت ها محدود و یک بعدی نیست بلکه در رابطه با تمامی احکام اسلام و تمامی مصالح امت می باشد.

◀ **حکم ولی فقیه:** بازگشت ولایت فقیه به ولایت فقه و عدل و تدبیر است، یعنی شخصیت حقوقی فقیه است که بر مردم حکومت می کند نه شخصیت حقیقی او. و به تعبیر دیگر حکم خداست که بر مردم حکومت می کند نه شخص فقیه. لذا در روایات اهل بیت علیهم السلام ردّ حکم فقیه ردّ حکم خدا و موجب شرک به خدا دانسته شده. (وسائل الشیعه جلد ۱۸ صفحه ۹۹)

◀ **انواع حکومت:**

- ۱- حکومت فرد بر مردم (استبدادی، سلطنتی)
- ۲- اقلیت ناچیز بر اکثریت (سوسیالیستی، کمونیستی، حزب بر مردم)
- ۳- اکثریت بر اقلیت، دموکراسی، انتخابات
- ۴- حکومت انبیاء: حکومت خدا بر مردم، ولایت انبیاء با اجازه خداست.

در حکومت دموکراتیک وضع قوانین بر اساس خواست مردم است (شراب مجاز می شود، گاو پرستی محترم می شود و ...)

ولی در حکومت انبیاء قوانین بر اساس خواست خداوند متعال و نیازهای حقیقی و فطری مردم است اگر چه بر خلاف هوس آنها باشد.

«و چه بسا چیزها که شما از آن کراهت دارید در حالی که خیرتان در آن است و چه بسا چیزها که شما دوست میدارید در حالی که شرّ شما در آن است و خدا خیر و شرّ شما را میداند و شما نمی دانید» (بقره - آیه ۲۱۶)

پیامبر اکرم صلّ الله علیه و آله فرمودند: ای بندگان خدا، شما همانند بیمارانیید و خداوند مانند طبیب، مصلحت بیماران به دست طبیب است نه چیزی که مریض می خواهد و نسبت به آن اظهار تمایل می کند، تسلیم امر الهی شوید تا به گروه نجات یافتگان پیوندید. (مجموعه ورام جلد ۲). ولایت و حکومت فقیه از نوع چهارم یعنی حکومت انبیاء است.

#### ◀ دلایل عقلی ولایت فقیه:

۱- تمام احکام الهی و دستورات اسلامی اعم از سیاسی، عبادی، قضایی، اجرایی، اجتماعی و اقتصادی و... که در زمان حضور ائمه اطهار علیهم السلام باقی بوده، در زمان غیبت بلکه تا قیام قیامت باقی است، زیرا که شریعت پیامبر آخرین دین و کاملترین دین است، و بقاء و حفظ و اجرای این دستورات همان گونه که برای بعد از وفات پیامبر (ص) مستلزم وجود امام و مقام امامت بوده، در زمان غیبت نیز مستلزم حکومت و ولایتی است که آن دستورات را از دستبرد اجانب و تغییر، حفظ و در جامعه اجرا نماید.

امام صادق علیه السلام: حلالٌ مَحْمَدٌ (ص) حلالٌ اَبداً الی یومِ القیامت، و حَرَامُهُ حَرَامٌ اَبداً الی یومِ القیامت (کافی باب بدعت)

۲- در آیات قرآنی و روایات اهل بیت علیهم السلام و فتاوی فقهها، مراجعه به حاکمان طاغوت برای احقاق حق، و رفع مخاصمه ممنوع و حرام دانسته شده و این مساله تا آن حد اهمیت دارد که اگر شخصی مدعی، مالش را به واسطه حکم حاکم طاغوت از خصمش بگیرد تصرف در آن مال حرام خواهد بود. (وسائل جلد ۸ صفحه ۹۹)

۳- برای حاکم در حکومت اسلامی دو شرط مهم فقهت و عدالت مقرر شده که اگر شخصی واجد آن شرایط نباشد حق رهبری امت اسلامی را نخواهد داشت، و اگر بدون این شرایط زمام امور مسلمین را در دست بگیرد به عنوان حاکم طاغوت شناخته میشود.

۴- خداوند برای هدایت انسانها و جلوگیری از هرج و مرج و حفظ حقوق مستضعفین و ردّ ظلم ظالمین و تبیین احکام الهی و اجرای آن در جوامع بشری، انبیاء و سپس اولیاء را فرستاده و رهبری آنان و وجوب اطاعت از آنها را به مردم خبر داده است. عیناً همان مساله در زمان غیبت متصور است، چرا که خداوند امت اسلامی را در زمان غیبت به حال خود وانگذاشته و آنان را به صورت هرج و مرج به جان هم نینداخته و همچون طعمه ای به دست گرگان اجانب نسپرده است، بلکه قطعاً برای رهبری آنان فکری شده، وگرنه در نتیجه آن هرج و مرج و مهممل گذاشتن نابودی امت اسلامی قطعی خواهد بود و این موضوع نه با بقای تکلیف سازگار است و نه با حکمت خدای حکیم مطابقت دارد.

۵- حفظ سرزمین های اسلامی از تجاوز متجاوزین و تهاجم بیگانگان از مهمترین واجبات شمرده شده (جهاد) و حفظ آنها نیز بدون حکومت و نظم و انسجام میسر نخواهد بود.

۶- لزوم همراهی قضاوت با حکومت:

الف) در ثبوت منصب فتوا و قضاوت برای فقهاء در زمان غیبت (بر اساس دستورات اسلامی) کسی تردید نکرده و همگان بر این امر متفقند

ب) قضاوت هم در مسائل خرد (مثل مسائل خانوادگی) است هم در مسائل کلان کشور که نیاز به حکومت و تشکیلات دارد.

ج) حکم قاضی باید پشتوانه اجرایی داشته باشد تا ارزشمند شود.

کتابهای مرجع:

۱- تحقیقی پیرامون ولایت فقیه (حبیب الله طاهری)

۲- ولایت فقیه (محمد هادی معرفت)